

عوامل پارچه پارچه شدن دین اسلام به مذاهب وگروههای متعدد، وادامه آن ؟

(عدم درک واقعی از معنی و مفهوم دین اسلام و کلام الهی ، منافع شخصی یا تجارت بالای دین و تحریف احکام دینی با پیروی از خرافات، منافع زبانی، قومی، قبیله‌ای، سیاسی و اقتصادی، عامل عمده میباشد)

بخش سوم :-

با تشکر مجدد از دوستانیکه با مطالعه بخش اول تعریف از دین ، اسلام و اشکال اعتقادات در بین مسلمانان و... و بخش دوم شامل اصول و فروع دین اسلام و مذاهب اسلام بود، از طریق تلفون و ایمل مرا تشویق نمودند . اینک ادامه ...

ب - مذهب مالکی :

دومین مذهب اهل سنت میباشد. مؤسس آن مالک بن انس (179-93 هجری قمری) میزیست. موصوف در شهر مدینه تولد و بیشتر زندگانی خود را در مدینه سپری کرد. مالک شخص حلیم بود و در برابر خلفای وقت سیاست آرامی داشت اما به اثر بد گمانی والی مدینه به ارتباط فلسفه (قیام نفس زکیه) او را مجازات کرد. اما بعداً معذرت خواست . امام مالک از شاگردان امام جعفر صادق بود و فقه را نزد ایشان فرا گرفت، در حدیث شناسی پیشگام بود.

مذهب مالکی پیرو مکتب اشعری است و منابع استنباط مالکیه را:

- قرآن کریم - سنت - اجماع - قیاس - استحسان - استصحاب مصالح مرسله - سد ذرایع - عرف - قول صحابی تشکیل میدهد.

استصحاب به معنی با خود داشتن، به همراه آوردن. در اصطلاح اصول فقه عبارت است از حالت فعلی چیزی را مانند گذشته حساب کردن و به احتمال و دیگرگونی ترتیب اثر ندادن ، مثلاً اگر یقین به وضو داشتیم و اکنون شک داریم که وضو باطل شده یا نه، به حکم استصحاب به شک اعتنا نه کنیم و میگوییم وضو باطل نشده است. اگر یقین به نجاست دست خود داشتیم و حالا شک داریم تطهیر و پاک کردیم . (مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج دو، ص 144) .

مصالح جمع مصلحت است و سه نوع تعریف شده :

۱- مصالحی که شارع آنها را معتبر دانسته مانند تحریم مشروب که به منظور حفظ عقل است یعنی به ملاحظه این مصلحت شرب خمر حرام است .

۲- مصالحی که شارع به بطلان و الغای آنها هدایت داده .

۳ - مصالحی که شارع نسبت به اعتبار یا الغای آن‌ها سکوت کرده و هیچ یک را تأیید و یا رد ننموده است .

شکل سوم را اصطلاحاً مصالح مرسله می‌نامند.

در مورد مصالح مرسله سه نظر وجود دارد بدین ترتیب :

۱- موجودیت حجت قاطع .

۲- عدم موجودیت حجت قاطع .

۳ - حجت و اعتبار در صورت مصلحت ضروری و قطعی: مثلاً به اثر جنگ بین مسلمین و کفار تعداد از مسلمین توسط کفار اسیر می‌گردند. و از اسیران منحیث سپر استفاده نموده ، حمله وسیع دیگر را بخاطر قتل و کشتار سایر مسلمانان براه می‌اندازند. هرگاه در این حالت علیه دشمنان که اسیران را سپر قرار داده اند حمله صورت نگیرد، سایرین تلف می‌گردند، در این حالت مصلحت چنان است که حمله علیه آنان صورت گیرد، با آنکه تعداد قابل ملاحظه اسیران نیز تلف خواهد شد.

لیکن اعتبار این مصلحت از جانب شارع معلوم و مسلم نیست چون قتل مسلمان بیگناه در شرع معهود (شناخته شده) نیست و همچنین الغای آن به وسیله شارع محرز نیست.

ویژه گیهای فقه مالکی انعطاف پذیری در اصول و مراعات کردن مصلحت میباشد. انعطاف پذیری در اصول و سنت را قطعی ندانسته بلکه در های تحصیص و تقلید را بطور کامل کثود .

در کنار این مساله اصول رابه یک دیگر پیوند میدهد تا از میان آنها فقهی پخته و همسوبا احکام ، عقل و همخوان با آن چه نزد مردم پذیرفته است، پدید آید. مراعات کردن مصلحت، یا از طریق

قیاس و استحسان شود و یا از طریق مصالح مرسله و سدذرایع و یا هر طریق دیگری. بدین ترتیب بسیاری از مشکلات را در زمینه عقود و قراردادها مردم مرفوع گردید و خواسته های مردم را

تحقق بخشید. بامقتضای عرف آنان همراهی و همسوئی داشت.

امام مالک بر این عقیده بود که هدف اصلی شارع، تحقق بخشیدن به مصالح و منافع مردم است. ویژگی دیگر فقه مالکی فراهم آوردن عناصر رشد و گسترش چون قدرت اندیشه و گستردگی افق

دید فقهیان میباشد، انعطاف پذیری اصول آنان و گوناگونی راه های که برای حل مسایل اجتماعی ، مشکلات و پیچیده ای که از هر جانب برای مردم پیش می‌آید ارائه کرده اند. فعلاً مذهب مالکی

در قسمت های شمالی آفریقا، الجزایر، تونس، در قسمت های کوهستانی مصر، سودان، کویت، قطر، بحرین پیروان بیشتر دارد.

ج - مذهب شافعی:

موسس آن محمد ادریس الشافعی (150-204 هجری قمری) ملقب به ابو عبدالنڈ سومین امام از ائمه اهل سنت است. این مذهب از داخل دو مذهب حنفی و مالکی روش نوین را بناء نهاد که از حدیث

در آن بهره می‌جستند. در کلام پیرو ابو الحسن اشعری بود (قرآن کریم ، سنت، اجماع و قیاس) را قبول داشت و قائل به استدلال بود. ولی به استحسان و مسایل مرسله اعتنای نداشت و آنرا مردود

میشمرد. ایمان در عقیده شافعیه دارای سه شرط عمده است:

اول - اقرار به زبان . دوم - تصدیق به قلب . سوم - اقدام به عمل نمودن.

د - مذهب حنبلی:

از مذاهب فقهی بوده، موسس آن ابو عبدالرحمان احمد بن حنبل (164-241 هجری) چهارمین امام از ائمه اهل سنت میباشد. وی اهل حدیث بوده و توجه به رای نداشت، استناد او صرفاً به قرآن کریم

و حدیث پیامبر اسلام بود. و پنج اصل نزدش معتبر بود: کتاب، سنت، فتوای صحابه پیامبر، قول

برخی از صحابه که موافق با کتاب باشد. و تمام احادیث مرسل و ضعیف. از مواردیکه حنا بله به آن اهمیت زیاد قایل اند امر به معروف و نهی از منکر میباشد. در اصول حنبلی فتوا در باره آنچه عملاً رخ داده است ارائه میگردد. برخلاف مذهب شافعی در باب معاملات و عقود دیدگاهی ظاهری داشته، و آنرا به همان عباراتی عقد شده تفسیر می کنند. به انگیزه ها و اهداف کمتر اعتناء دارند.

هه - مذهب ظاهریه:

بنیانگذار این مذهب داود بن محمد علی که در سال 202 در کوفه بدنیا آمده، می باشد. موصوف تحصیلاتش را در عراق فرا گرفت و عقیده داشت که تنها راه رسیدن به حقیقت و سعادت تمسک بکلام خداوند و پیام او میباشد. (قرآن، حدیث و اجماع) ولی قیاس، رای، استحسان و تقلید را رد نموده و در تمام مسایل دینی عقل را عامل تعیین کننده میدانست. عقاید فقهی مذهب ظاهریه:

- نماز مسافر را بدون شرط مسافت شکسته اعلام کرد.

- روزه مسافر را نیز بدون قید و شرط صحیح نمیداند.

- مسئله ربا (سود)

- اقرار

- علم قاضی در مورد شهادت، در زنا چهار مرد و یا به عوض هر مرد دو زن شرط است.

- بینه یا سند.

- الحاق طفل زنان آزاد و کنیزان .

بادیگر مذاهب بعضاً تفاوت دارد. ابن حزم که از جمله علمای بزرگ این مذهب در هسپانیه بود. سه چیز را شرط برای تحصیل دینی میدانست :

1 - دانستن معنی قرآن کریم.

2 - گفتار و رفتار پیامبر.

3- اجماع .

مذهب ظاهریه در باره خداوند، قرآن شریف و کلام الهی نظریات فلسفی، کلامی خاصی دارند. انسان را مختار مطلق نمی دانند. آنان معتقد اند که اسلام و ایمان یکی میباشد، و دیگر ادیان را نسخ کرده اند. این مذهب در اسپانیه و افریقای شمالی پیروان بیشتر دارد .

و- مذهب دیوبندی:

یک جنبش احیایگر اسلامی از شاخه سنی است که از هندوستان حدود ۳۰۰ سال قبل ایجاد و به افغانستان افریقای جنوبی و سایر کشورها گسترش یافته است، این فرقه در اعتقادات ماتریدی و در فرقه حنفی مذهب اند. از نظر اعتقادی، شباهت کلی به وهابیت دارند. آنان مانند وهابون در برابر سایر فرقه های اسلامی، حساسیت زیادی نشان داده و از توحید و شرک تفسیر ویژه ارائه می دهند. تمام شاخه های صوفی و طریقت را قبول دارند، ولی طریقه چشتی را طریقه خویش قرار داده و شاه ولی اللہ دهلوی را رهبر طریقه خویش میدانند.

مدرسه دیوبندی در نیمه دوم قرن 19 میلادی زمانی که کمپانی هند شرقی در سراسر شبه قاره حکمرانی داشت، بمنظور تحقق اهداف سودجویانه خود در قریه دیوبند واقع در شمال دهلی دارالعلوم تاسیس نمود.

اما فعالیت های دیوبندی ها به مدرسه محدود نماند و آنها احزاب و گروه های سیاسی و مذهبی مختلفی تشکیل دادند و بدین وسیله بر تحرکات خود افزودند. دیوبندی ها پیش از استقلال پاکستان با حزب کنگره هند رابطه نزدیکی داشتند و با استقلال پاکستان مخالف بودند. آنان تشکیل پاکستان

رامانعی گسترش اسلام در هند و همچنین عامل تضعیف موقعیت مسلمانان می دانستند. مخالفت دیوبندی ها با تشکیل پاکستان باعث شده بود که آنها در پاکستان موقعیت سیاسی مناسبی نداشته باشند. اما فعالیت های مدارس مذهبی دیوبندی ها و گروه های طرفدار آن با قدرت رسیدن ژنرال «ضیاء الحق» که به دیوبندیها وابستگی داشت. از جانب دیگر نزدیکی مناسبات پاکستان با عربستان سعودی که با دیوبندی ها به علت اشتراک عقیدتی روابط نزدیکی داشتند موجبات تقویت موضع دیوبندی ها را در جامعه سیاسی پاکستان پس از استقلال فراهم کرد. دیوبندی ها از لحاظ نحوه تفکر و اندیشه به وهابیه خلی نزدیک می باشند و نگرش دیوبندی در فعالیت سازمان های وهابی - مسلک، پاکستان خیلی موثر بوده است.

به هر حال روند مدرسه سازی دیوبندی ها با استقلال پاکستان شدت یافت و دیوبندی ها برای کنترل مدارس خود در سال 1956 میلادی (1335 هـ.ش)، مدرسه «وفاق المدارس عربیه» را تاسیس نمودند. تلاش دیوبندی ها برای توسعه مدارس مذهبی شان با روی کار آمدن ژنرال ضیاء الحق در پاکستان بیشتر گردید.

در سال 1960 میلادی مدارس دیوبندی ها 232 و در 1984 میلادی به 1097 رسید. با وجود آنکه دیوبندی ها در پاکستان در اقلیت بودند اما حدود 57 درصد فارغ التحصیلان کل مدارس دینی در دوران ضیاء الحق را دیوبندی ها تشکیل می دادند که این مساله نشان دهنده فعالیت وسیع دیوبندی ها بود. در مجموع درباره ی مدارس مذهبی دیوبندی ها باید گفت که این مدارس بیشتر در ایالت سرحد (جدیداً به ایالت خیبر پختونخوا تغییر نام یافته و هم مرز با افغانستان است) و در مناطق اکوراختک، منسهره، مردان، پیشاور، بنو و دیره اسماعیل خان می باشند. اکثر آنان مربوط به احزاب سیاسی زاده مذهب دیوبندی هستند مانند حزب «جمعیت علماء اسلام» و «جمعیت العلوم الاسلامیه» و غیره.

جنگ سرد بخصوص حضور نظامیان اتحاد شوروی به افغانستان سبب گردید تا از مدارس دیوبندی بمنظور مقابله با اتحاد شوروی استفاده نمایند و پاکستان را در برابر ارتش سرخ بوسیله طلاب به شدت افراطی مربوط مدارس دیوبندی، قرار دهند.

در زمینه سازمانهای جمعیت العلماء پاکستان به رهبری مولانا شبیر احمد عثمانی، حرکت المجاهدین، لشکر جهنگوی، لشکر صحابه، لشکر طیبه و... همه و همه به نوعی با دیوبندیسم مرتبط هستند. نقش عمده در اشاعه افکار افراطیت و تروریسم داشته و دارند.

جامعه مذهبی پاکستان از لحاظ گرایشهای مذهبی به چهار جریان عمده میتوان تقسیم نمود:

۱ - دیوبندی ۲ - بریلوی ۳ - اهل حدیث ۴ - شیعه

مکتب بریلوی در سال 1948 سازمان جمعیت علمای پاکستان را تشکیل داد، مکتب اهل حدیث، سازمان جمعیت اهل حدیث و مکتب شیعه تحریک فقه جعفری را در سال 1980 بنیان گذاری کردند.

اکثر مدارس و علمای دینی سنی مذهب از لحاظ گرایشهای کلامی و فقهی در چهارچوب فقه حنفی و ابسطه به گروه های دیوبندی و بریلوی میباشند. اما بریلوی ها حالت انعطاف پذیری بیشتر داشته و از توحید و شرک تفسیر سخت گیرانه ارائه نمی دهند و تا حدودی، گرایشهای صوفیانه دارند. مکتب بریلوی در واکنش نسبت به جنبش محمد بن عبدالوهاب و در مخالفت با عقاید دینی شاه ولی الله، و سایر علمای دیوبندی پدیدار شد.

طرفدارن دیوبندی در پاکستان همواره در حال افزایش بوده، به ویژه در دو دهه اخیر با رشد بنیادگرایی اسلامی در منطقه و سرمایه گذاریهای وسیع عربستان و با حمایت دولت ضیاء الحق

و جناح او از آنان، سرعت بیشتری یافته است. سومین گروه سیاسی - مذهبی عمده این کشور جمعیت اهل حدیث است. این گروه برخاسته از افکار شدیداً سنتی پیروان اهل حدیث در این کشور است. افراد وابسته به مذاهب اهل حدیث، بمنظور شناخت سیاسی خود جمعیت اهل حدیث را پایه گذاری نمودند. چهارمین سازمان سیاسی - مذهبی عمده پاکستان که ریشه کاملاً مذهبی دارد سازمان تحریک فقه جعفری است. این حزب متشکل از روحانیون و شخصیت‌های فرهنگی و عادی پیروان مکتب شیعه می باشد که در واکنش به سیاست‌های ضیاء الحق به وجود آمد. با توجه به اینکه فرقه دیوبندی در نظر و عمل داری روشها و موضعگیریهای تندروانه ای بوده است و از دوران حضور شوروی در افغانستان الی امروزیکی از حامیان تنظیمها ، طالبان و گروه القاعده بودند و میباشند، رهبران و اعضاء طالبان غالباً در مدارس دینی وابسته به این مکتب آموزش دینی دیده اند.

لذا یکتعداد پیروان مذهب دیوبندی نظر به دلایل فوق نقش عمده را در کشتار، ویرانی، تباهی کشور ما، ایجاد ، تقویه ورشد تروریزم منطقه و جهان داشت و دارد.

ادامه دارد

با احترام عبدالواسع غفاری